

تنبیه فرزند از نگاه روان‌شناسی و فقه مذاهب اسلامی

مهناز محسنی^۱، جعفر هوشیاری^۲

چکیده

یکی از ابزارهای اصلاح و تربیت، اعمال انواع تنبیه، به ویژه تنبیه بدنی فرزندان است. تعلیم و تربیت کودک، به دلیل تأثیرپذیری و انعطاف‌پذیری شخصیت او، اهمیت بسزایی داشته و در تمام جوامع، فرهنگ‌ها و مذاهب، توصیه شده است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی دیدگاه روان‌شناسی و فقه مذاهب اسلامی، با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که روان‌شناسان، تنبیه بدنی را به دلیل عدم کارایی و پیامدهای منفی آن جایز ندانسته، اما انواع دیگر تنبیه را با شرایط خاص، از روش‌های تربیتی می‌دانند. این دیدگاه به طور مطلق قابل پذیرش نیست. جمع بین روایات اسلامی در این زمینه، جواز تنبیه بدنی خفیف با شرایط خاص است. از نظر فقه امامیه و مذاهب اهل سنت، تنبیه بدنی در موارد و سن خاص و با برخی شرایط، جایز و ضروری است، اما این نکته مورد تأکید اسلام و روان‌شناسی است که رفتار گرم، محبت‌آمیز و مسئولانه والدین، نیاز به تنبیه بدنی را کاهش می‌دهد.

واژگان کلیدی: تنبیه، فرزند، روان‌شناسی، فقه مذاهب اسلامی.

۱. مقدمه

دوران کودکی در زندگی انسان اهمیت ویژه‌ای دارد. شالوده شخصیتی فرد در دوران کودکی پی‌ریزی می‌شود. والدین در خانه و معلمان در سطوح گوناگون تحصیلی بیشتر با مقوله تشویق و تنبیه سروکار دارند. به طور طبیعی هر فردی در روز، نوعی تشویق یا تنبیه مستقیم یا غیرمستقیم و ارادی یا غیرارادی را تجربه می‌کند، اما کمتر از ماهیت تشویق و تنبیه و نتایج و عواقب واقعی آن اطلاع دارد. یکی از مسائل حساس و مهم تربیتی که خانواده‌ها و جوامع بشری با آن روبرو هستند، چگونگی برخورد با اعمال و کردارهای ناروای کودکان است. انسان، به دلیل انگیزه خویشتن‌دوستی نیرومندی که دارد، جلب نفع و دفع ضرر را همواره محور فعالیت‌های

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف اسلامی و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه
۲. مدرس گروه علمی-تربیتی معارف اسلامی و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، ایران.

خود قرار می‌دهد که با تنبیه و تشویق در تعامل قرار می‌گیرند. تشویق، سبب می‌شود که کودک یا نوجوان انگیزه لازم برای اقدام به کارهای شایسته یا ترک اعمال ناهنجار را بیابد، اما تنبیه، نتایج منفی فراوانی به دنبال دارد.

تنبیه در لغت، مصدر متعدی از واژگان عربی بوده و معنی آن بیدارکردن و هوشیارساختن است. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸) تنبیه در اصطلاح عبارت است از مجازات انسانی که کار ناهنجاری را برای ترک کردن و جلوگیری از تکرار انجام داده است (امینی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۶). تنبیه بدنی، عامل مهمی در گسترش اقدامات و نگرش‌های خشونت‌آمیز بوده و در دوران کودکی و زندگی فرد تأثیر مخربی می‌گذارد. تنبیه بدنی مانع رشد مثبت کودک شده و هنجارهای صحیح نظم و انضباط را ایجاد می‌کند. روان‌شناسان، تنبیه بدنی را جایز ندانسته و عوارض نامطلوبی مانند ترس، عدم یادگیری رفتار درست، توجه صدمه‌زدن به دیگران، پرخاشگری نسبت به عامل تنبیه‌کننده، جاننشینی پاسخ مطلوب به جای پاسخ نامطلوب و الگوبرداری از آن توسط دیگران را برای آن بیان می‌کنند. تنبیه، اثر مثبت ترک رفتار منفی را ندارد، بلکه نوعی الگودهی یا یادگیری تقلیدی رفتار پرخاشگرانه و نابهنجار است. در مجموع می‌توان گفت که تنبیه بی‌موقع نه تنها اثر مثبت تربیتی ندارد بلکه شناخت، یادگیری، خودپنداره، عزت نفس و به طور کلی ساختار شخصیت را مختل می‌کند. این ضرورت کاربردی و کمبود تحقیقات تطبیقی در زمینه تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی و فقه مذاهب اسلامی، انگیزه نوشتن این تحقیق شد.

۲. تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی

از نظر روان‌شناسان چون اساس زندگی کودک به ویژه در سال‌های اول زندگی، مبتنی بر جلب لذت و آرامش است از هر چه برای او لذت بخش و خوشایند باشد، استقبال کرده و از هر چه برایش دردآورد و رنج‌آفرین باشد، فرار می‌کند. پس تنبیه برای کودک، امری دردآور بوده و عامل مهمی در گسترش اقدامات و نگرش‌های خشونت‌آمیز است. تنبیه، در دوران کودکی، در زندگی فرد تأثیر مخربی گذاشته و مانع رشد مثبت کودک و ایجاد هنجارهای صحیح شناختی و رفتاری می‌شود. دو روش اصلی تربیتی والدین، تشویق و تنبیه است. کسانی که به تشویق معتقدند می‌گویند اگر کودک، برای هر چیزی که انجامش نادرست است، تنبیه شود، یا نسبت به این روش بی‌تفاوت شده یا آنقدر باهوش و زرنگ می‌شود که کار نادرستش را پنهان می‌کند. طرفداران تنبیه به عنوان تنها روش تربیتی عقیده دارند که اگر کودک برای انجام هر کار خوب پاداش بگیرد، خیلی زود توقع پیدا می‌کند که همه دنیا وقتی او بچه خوبی است، به عنوان قدردانی و تحسین به او داده

شود و بعدها اگر پاداش نگیرد از انجام کارها به طریق درست دست برمی‌دارد. (ماوردیانی، ۱۳۸۰، ص ۸۰)

روان‌شناسان تنبیه و به‌ویژه تنبیه بدنی را تجویز نکرده و عدم کارایی و یا اثرات و مضرات جانبی آن را دلیل بر این امور می‌دانند. ولی چنین چیزی به صورت کلی نمی‌تواند مورد پذیرش باشد. اول اینکه چنین نیست که تنبیه هیچ اثر اصلاحی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبیه اصلاح‌کننده است به طوری که عموم کسانی که در مورد اصلاح رفتار نوشته‌هایی دارند تنبیه را یکی از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند. دوم اینکه در مواردی که تنبیه اصلاح‌کننده نباشد، حداقل اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی برای دیگران دارد و این خود اثر کمی نیست؛ زیرا مواردی است که رفتار نامطلوب، باید متوقف شود، به طوری که اگر متوقف نشود، آثار جبران‌ناپذیری خواهد داشت. (سیف، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷) در روان‌شناسی تنبیه غیرمستقیم مورد تأیید است؛ یعنی مشاهده تنبیه فرد خاطی در مشاهده‌گر اثر بازدارندگی و پیشگیری دارد.

از زمان‌های قدیم، مسئله تنبیه در آموزش و پرورش و چگونگی و کیفیت تأثیر آن مورد بحث بوده و موافقان و مخالفانی داشته است. بیشتر روان‌شناسان با مقوله تنبیه به صورت محتاطانه برخورد کرده‌اند و از نظراتشان برداشت می‌شود که در صورت اصلاح شدن رفتار کودک با روش‌های مطلوب و با تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی، مریبان مجاز به استفاده از تنبیه به عنوان یک محرک آزرده نیستند، اما اگر تمام روش‌های ممکن به کار گرفته شد و نتیجه مثبت و مطلوب حاصل نشد و اگر رفتار ناهنجار کودک، ناپسند و بسیار حاد بود، استفاده از تنبیه بدنی به نظر برخی از آنان، مفید و حتی لازم است.

اسکینر و ثراندایک به عنوان دو روان‌شناس رفتارگرا در مورد اثربخشی تنبیه هم‌رأی هستند. تنبیه، احتمال پاسخ را کاهش نمی‌دهد. اگرچه تنبیه سبب بازداری یا واپس‌زدن پاسخ می‌شود، ولی تا زمانی که به کار می‌رود، عادت ضعیف نمی‌شود. گاتری روان‌شناس رفتارگرای دیگری است که از قوانین تداعی تنها قانون مجاورت را پذیرفته و می‌گوید:

کارآمدی تنبیه به وسیله آنچه که تنبیه ارگانسیم تنبیه شده را به انجام آن وامی‌دارد، تعیین می‌شود. تنبیه نه به علت ناراحتی که تولید می‌کند، بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد، مؤثر است. تنبیه، تنها در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند. گاتری معتقد است آنچه درباره تنبیه مهم است، عملی است که ارگانسیم در نتیجه تنبیه انجام می‌دهد، نه احساسی که بر اثر تنبیه در او به وجود می‌آید. برای اینکه تنبیه مؤثر باشد، باید رفتاری را ایجاد کند که با

رفتار تنبیه شده، ناهمساز و در حضور محرک‌هایی باشد که رفتار تنبیه شده را فرامی‌خواند. او همچنین می‌افزاید اگر این شرایط رعایت نشود، تنبیه نامؤثر خواهد بود و حتی ممکن است پاسخ نامطلوب را قوی‌تر کند. (سیف، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷)

آکسلرد می‌نویسد:

با وجود بعضی از نواقصی که به تنبیه نسبت داده‌اند من معتقدم که تکنیک‌های تنبیه می‌توانند ابزاری مفید برای آموزگار باشند. یک دلیل این است که تنبیه، در شرایطی مؤثر واقع می‌شود که تکنیک‌های دیگری مانند تقویت یک رفتار ناهمساز و خاموشی مؤثر نیست. همین‌طور روش‌های تنبیه، رفتارهای نامطلوب را سریع‌تر از تکنیک‌های دیگر کاهش می‌دهند. (آکسلرد، ۱۳۶۷، ص ۴۷)

گیج و برلایندر می‌گویند: «اگر رفتاری را که می‌خواهید مانع آن شوید، بسیار خطرناک یا ناخوشایند است، در آن صورت، تنبیه به عنوان راهی برای دفع آن رفتار مناسب است.» (خویی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۴۵) گاتری می‌گوید: «تنبیه به این علت در تغییر رفتار نامطلوب مؤثر است که رفتاری ناهمساز است» (هیلگارد، ۱۳۷۱، ص ۲۸۹). گاهی ممکن است رفتار نابهنجار فرد چنان خطرناک باشد که هیچ روش دیگری برای تغییر رفتار و یا اصلاح آن نباشد و به ناچار، کاربرد روش تنبیه، تنها روش ممکن باشد. مانند زمانی که رفتار نامطلوب فرد، سلامت و بقای خود او و یا افراد دیگر را تهدید می‌کند (سیف، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷).

مشاهدات روزانه و شواهد تجربی نشان داده‌اند که تنبیه، در کاهش رفتار نامطلوب، به طور موقت مؤثر است، اما باید توجه داشت که تنبیه باعث از بین رفتن رفتار تنبیه شده، نمی‌شود و تنها تأثیری که دارد این است که رفتار نامطلوب را به طور موقت پس می‌زند. در واقع تنبیه، عکس تقویت عمل نمی‌کند. تقویت، رفتار تقویت شده را نیرومند کرده و به ایجاد رفتارهای تازه کمک می‌کند و خزانه رفتار فرد را غنی می‌کند، اما رفتار تنبیه شده، پس از تنبیه، همچنان در خزانه رفتاری فرد ذخیره می‌شود و تا زمانی که عامل تنبیه‌کننده حاضر و ناظر است در حال کمون باقی می‌ماند. زمانی که عامل تنبیه‌کننده تضعیف شد و یا از بین رفت، آن رفتار دوباره ظاهر می‌شود. برای مثال کودکی که به علت حرف زشت زدن از پدر کتک می‌خورد، می‌آموزد که در حضور او حرف زشت نزند، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که در غیاب پدر این کار را انجام ندهد. به عبارتی تقویت، میل به انجام رفتار تقویت شده را در شخص ایجاد کرده و افزایش می‌دهد، اما تنبیه، میل به انجام رفتار تنبیه شده را در فرد زائل نمی‌کند. (سیف، ۱۳۶۷، ص ۲۴)

اسکینر در این باره می‌گوید:

تنبیه، برای حذف رفتار نادرست، خطرناک، یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد طرح و اجرا می‌شود. برای مثال کسی که به خاطر انجام رفتار ناپه‌نجانار تنبیه می‌شود، با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد. متأسفانه موضوع به این سادگی نیست. پاداش یا تقویت و تنبیه از لحاظ تغییری که در رفتار ایجاد می‌کنند فقط در جهت ایجاد تغییر در رفتار با هم متفاوت نیستند. کودکی که به خاطر بازی جنسی به شدت تنبیه می‌شود، تمایل کمتری نسبت به انجام این کار از خود نشان خواهد داد، پس وقتی که وابستگی‌های تنبیهی از میان رفتند، رفتار تنبیه شده دوباره ظاهر می‌شود. (اسکینر، ۱۳۹۱، ص ۷۶)

بنابراین، بزرگترین اشکال استفاده از تنبیه این است که این روش، رفتار نامطلوب را در فرد از بین نمی‌برد بلکه آن را به طور موقت سرکوب می‌کند. این رفتار پس از تضعیف عامل تنبیهی، دوباره ظاهر می‌شود. دو برداشت از تنبیه است که باید به آنها توجه شود که عبارتند از:

اول) برداشت عامیانه از تنبیه، رنج و احساس دردی است که در اثر اعمال محرک دردناک ایجاد می‌شود. بسیاری از والدین، هنگامی که کودک را آزار جسمی می‌دهند، می‌گویند او را تنبیه کردم، صرف نظر از اینکه احتمال تغییر رفتار وجود داشته باشد یا خیر.

دوم) برداشت دوم مطابق با تعریف لغوی ماده نبه است. برداشتی که صاحب نظران این موضوع بیان کرده‌اند عبارت است از کاهش احتمال رفتار در اثر ارائه یک محرک، اعم از اینکه آن محرک آزارنده باشد (تنبیه مثبت) و یا غیر آزارنده باشد (تنبیه منفی). با توجه به این تعریف، حتی زمانی که هیچ محرک آزارنده‌ای هم اعمال نشود، ولی تقویت‌کننده‌های محیط کم شده و موجب حذف رفتار شود، می‌توان گفت که تنبیه صورت گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۹۹)

از مجموع مباحث و نظرات روان‌شناسان چنین استفاده می‌شود که آنها بیشتر بر تقویت مثبت و دادن پاداش در مقابل اعمال و رفتارهای مطلوب تکیه کرده‌اند و تنبیه را آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده مورد توجه قرار داده‌اند که این به نظر اسلام نیز نزدیک است؛ زیرا در روایات اسلامی، روش اولیه برای برخورد با رفتار نامناسب، مدارا و نرمی است. در صورتی که نرمی سودمند نباشد، تندی و برخورد مناسب، به عنوان داروی تلخ و آخرین راه حل تجویز شده است. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۵۴۳) بنابراین، از نظر روان‌شناسان، تنبیه می‌تواند بر اساس شرایط و در موارد خاص، یک روش تربیتی باشد که در این صورت نیز حذف محرک خوشایند که نوعی تنبیه است بر ارائه محرک آزارنده اولویت دارد.

گذشته از جواز و عدم جواز و بدون در نظر گرفتن آثار مثبت و منفی تنبیه، اگر تنبیه، با نگاه لزوم و ضرورت دیده شود، به وضوح می‌توان دریافت که در شیوه‌های صحیح تربیتی جایگاهی ندارد.

شیوه‌های فرزندپروری، به مجموعه رفتارها، روش‌ها و گفتارهای والدین گفته می‌شود که نسبت به فرزندان خود اعمال می‌کنند.

۳. روش‌های تربیتی والدین

۳-۱. روش غفلت از کودک

اشکال این روش، فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک است.

۳-۲. روش سخت‌گیرانه

در این روش، انتظارات بالای والدین از فرزندان و بروز عواطف اندک نسبت به آنها دیده می‌شود.

۳-۳. روش سهل‌گیرانه

توجه بیش از حد والدین به فرزندان و انتظارات کم از آنها.

۳-۴. روش مقتدرانه

کمک به استقلال و پیشرفت فرزندان، همراه با انتظارات روشن و معقول از آنها. از دیدگاه روان‌شناسی و اسلامی، شیوه فرزندپروری مقتدرانه، مناسب‌ترین روش است. شیوه مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌دهی متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می‌شود. در این شیوه، والدین می‌کوشند تا فطرت فضیلت‌خواهانه فرزندان شکوفا شود. در این روش، بر اساس فرمایش امام علی علیه السلام والدین، خود را در فرزندپروری مسئول دانسته و با محبت و مهربانی با آنها، رفتار و عزت و احترام به آنها را وظیفه خود می‌دانند. رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان بر محور تعادل و متناسب با اهداف عالی‌تر تربیتی است. والدین نسبت به فرزندان مهربانند و انتظارات بیش از حد از آنها ندارند، اما اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم می‌کنند. این والدین، نسبت به سرنوشت فرزندان حساس بوده و آنها را به حال خود رها نمی‌کنند بلکه الگوی مناسبی برای آنها به شمار می‌روند.

از دیدگاه اسلام، نقش والدین در فرزندپروری مقتدرانه در دوره کودکی، نقش محبتی، حمایتی، مراقبتی، آموزشی، تأدیبی و انضباطی است. از سوی دیگر، نادیده‌گرفتن خطاهای کوچک، پذیرش فرزند هنگام خطا، عفو و مهرورزی از نقش‌های اساسی والدین است. ایفای این نقش از ناحیه والدین، به کاهش مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری، بزهکاری و سایر رفتارهای نابهنجار می‌انجامد. این نقش علاوه بر پیشگیری، جنبه درمانی نیز دارد؛ زیرا بر آن اساس، والدین به اصلاح رفتارهای نامناسب می‌پردازند. به این ترتیب مشخص می‌شود که در

بهترین شیوه، نیازی به تنبیه از سوی والدین نیست. (شکوهی یکتا، پزند و فقیهی، ۱۳۸۵)

۴. انواع تنبیه

تنبیه، دو نوع است؛ تنبیه غیر بدنی که عبارت است از: اعمالی که به عنوان مجازات انجام شده و موجب ناراحتی می‌شود، ولی روی بدن اثری ندارد، مانند قهرکردن، تندی و خشونت، زندانی کردن، منع از آب و غذا، ایستادن و دست بالا نگه داشتن در مدتی محدود، در سرما و گرما نگه داشتن، چهره در هم کردن و محروم کردن، تهدید و انذار، جریمه‌های مالی یا عملی، تبعیدکردن و... به طور کلی حذف محرک خوشایند و ارائه محرک آزارنده غیر بدنی را تنبیه غیر بدنی گویند. تنبیهات بدنی یعنی، کارهای دردآور و دشواری که به طور مستقیم، روی بدن انسان اثر گذاشته و اسباب ناراحتی او را فراهم می‌کند، مانند کتک زدن، شکنجه‌های جسمی، کشتن قاتل به عنوان قصاص، اجرای حدود تعزیرات و قطع عضو انسان جانی به عنوان قصاص. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۱)

۴-۱-۴. پیامدهای منفی تنبیه بدنی از نظر روان‌شناسی

۴-۱-۱-۴. دروغ‌گوشدن کودک

عمده‌ترین عاملی که کودکان را به دروغ‌گویی وامی‌دارد، تربیت غلط و رفتار بی‌رویه اطرافیان است. کودک برای اینکه مجازات و تنبیه نشده و خود را تبرئه کند، یاد می‌گیرد که دروغ بگوید.

۴-۱-۲-۴. ترسو و گوشه‌گیر شدن کودک

ترس ممکن است ریشه در بدآموزی‌ها داشته باشد و اغلب اکتسابی است. بسیاری معتقدند که بیشتر ترس‌ها اکتسابی هستند. اگر بزرگ‌ترها از تنبیه بدنی بپرهیزند هرگز در بچه‌ها چنین ترس‌های مزمن و حادی به وجود نمی‌آید. یکی از عوامل ترس در کودکان، تنبیه بدنی است. کودکی که تنبیه می‌شود برخلاف میل باطنی‌اش، گوشه‌گیری و انزوا را به عنوان یکی از راه‌های فرار از تنبیه انتخاب کرده و در نتیجه رنجور و دل‌مرده می‌شود.

۴-۱-۳-۴. ظهور افسردگی و بیماری عصبی در کودک

تنبیه زمینه افسردگی در کودکان را فراهم کرده و آنها را مستعد بیماری‌های مختلف روانی مانند افسردگی و احساس حقارت می‌کند.

۴-۱-۴-۴. کندذهن شدن کودک

تنبیه روحیه تلاش در کودک را از بین می‌برد، ذهن او را محدود کرده و کودک را عقب مانده

بارمی آورد. در این صورت کودک در انجام کارها، سست و بی‌انگیزه شده و از عهده فراگیری درس‌ها به خوبی بر نمی‌آید.

۴-۱-۵. کاهش اطمینان و اعتماد به نفس

کودکی که تنبیه می‌شود، نمی‌تواند به خود اطمینان داشته باشد. بچه‌ها در واقع نمی‌دانند تمایز بین خوب و بد چیست. بچه‌هایی که به خود اعتماد ندارند، کمتر شلوغ می‌کنند، محزون و خمود شده و همیشه در برابر دیگران سر به زیر و مطیع هستند.

۴-۱-۶. سرکوب شادی‌ها و هیجانات مثبت در کودک

بر خلاف پندار غلط بعضی از والدین که گمان می‌کنند تنها با هدایای متعدد و متنوع می‌توانند بچه‌ها را دلشاد کنند، رفتار دوستانه همراه با پذیرش، احترام و مقبولیت، می‌تواند بذرنشاط و شغف را در دل کودک افشانده و خوراک روحش را تأمین کند.

۴-۱-۷. توجیه صدمه زدن به دیگران

وقتی کودک تنبیه می‌شود تنها چیزی که می‌آموزد این است که در بعضی موقعیت‌ها، صدمه زدن به دیگران جایز است. در واقع با تنبیه بدنی و پرخاشگری، فقط الگو و مجوزی ناسالم به کودک داده می‌شود. از دیگر پیامدهای نامطلوب تنبیه بدنی این است که فرد تنبیه شده برای فرار از تنبیه ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد، نپردازد و رفتارهای دیگری را جانشین آن کند. برخی رفتارهای جانشین، مخرب، ناسازگارانه و روان‌رنجورانه هستند. (مجوزی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

از دیگر مشکلات استفاده از تنبیه، عوارض جانبی آن است که از نظر پرورشی بسیار نامطلوبند. احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن با شرایط تنبیهی و شخصی، یا اشخاص تنبیه‌کننده تداعی می‌شوند و در فرد تنبیه‌شونده از شخص تنبیه‌کننده ایجاد انزجار می‌کنند؛ یعنی حتی اگر تنبیه‌شونده بداند که تنبیه به خیر و صلاح اوست و تنبیه‌کننده از روی دلسوزی او را تنبیه می‌کند، باز هم احساس نامطلوب حاصل از تنبیه به صورت پاسخ شرطی درآمده و شخص تنبیه شده نسبت به تنبیه‌کننده، احساس انزجار می‌کند. در بسیاری از موارد این احساس انزجار به یک طرح‌واره ناهشیار ذهنی تبدیل شده که در بزرگسالی تمام تعاملات با تنبیه‌کننده و سایرین را بیمارگون و ناسالم خواهد کرد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند، در مواقع و مکان‌های دیگر خود به تنبیه دیگران اقدام کرده‌اند. دانش‌آموزانی که شاهد تنبیه شدن دانش‌آموزان دیگر بوده‌اند، بعدها خود، رفتار تنبیه‌کننده را تقلید کرده‌اند. نتیجه مستقیم این

یافته‌های علمی آن است که معلمی که در حضور جمع، دانش‌آموزان را تنبیه می‌کند به آنها آموزش پرخاشگری می‌دهد. بارها دیده شده، کودکانی که از پدر یا مادر خود کتک می‌خورند، در غیاب آنها فرزندان کوچک‌تر خانواده را کتک می‌زنند.

فروید، از نظریه‌پردازان نوفرویدی، این را مکانیزم دفاعی همسان‌سازی با پرخاشگر نامیده است. (دادستان، ۱۳۹۵) تحقیقات نشان می‌دهد که تنبیه بدنی نه تنها نتایج مثبتی را تا به امروز در بر نداشته بلکه بچه‌ها را به خودسری، لجاجت و واکنش‌های منفی سوق داده و آنها را نسبت به مفاهیمی مانند شرم و حیا بی‌اعتنا می‌کند.

۵. تنبیه بدنی از دیدگاه اسلام

در اسلام و به خصوص فقه شیعه، علاوه بر توجه خاص به امور تربیتی کودکان و رشد و سعادت آنها بر کرامت کودکان، مهرورزی و مصلحت‌محوری در برخورد با آنها و جلوگیری از هرگونه زیان و آسیب به آنها تأکید شده و از کیفر دادن، خشونت و آزار اطفال منع شده است. در مواردی نیز تنبیه کودکان به جهت رعایت مصلحت آنها جایز و بلامانع است.

برخی متخصصان می‌گویند اگر تنبیه به موقع و در حد مطلوب اجرا شود، می‌تواند رفتار نامطلوب را برای همیشه از بین ببرد. با توجه به روایاتی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان گفت که تنبیه اثر اصلاحی دارد.

از امام صادق علیه السلام در مورد ادب کودک و عبد پرسیدیم. امام فرمود پنج یا شش ضربه و تا می‌توانی مدارا کن. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده کودکان مکتبی، نوشته‌های خود را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند تا بهترین آنها را انتخاب کند. امام علیه السلام فرمود این کار قضاوت است و جور در آن، مثل جور در قضاوت است. به معلمتان بگویید اگر بیشتر از سه ضربه برای تأدیب شما بزند، قصاص خواهد شد. (عاملی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ادب کودک سه ضربه است و افزون بر آن روز قیامت قصاص می‌شود». (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۳۵۶) در جای دیگر فرمود: «نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید» (متقی هندی، ۱۳۶۴، ص ۴۴۰).

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنُ الْمُدَاوَاةِ أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمُكَافَاةِ؛ کسی که خوش رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد». (تمیمی، ۱۴۰۷، ص ۴۴۴) «اَسْتِصْلَاحُ الْأَخْيَارِ بِإِكْرَامِهِمْ وَ الْأَشْرَارِ بِتَأْدِيبِهِمْ؛ راه و روش اصلاح خوبان، به بزرگداشت آنها و اصلاح بدان به تنبیه و عقاب آنها است» (مجلسی، ۱۳۷۴، ص ۸۲).

با توجه به این روایات می‌توان گفت که تنبیه بازدارنده بوده و در مواردی می‌تواند اثر اصلاحی داشته باشد. در فقه شیعه، تنبیه بدنی در صورتی که مصالح عالی کودک آن را طلب کند، به عنوان عملی مجاز شناخته شده است، اما هیچ‌گاه فقها تنبیه را به عنوان اولین روش تربیتی تجویز نکرده‌اند، بلکه از نظر تعالیم اسلامی، محبت، ترحم و مهرورزی به کودکان و مدارا با آنان، سازنده‌ترین و مؤثرترین عامل تربیتی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اهمیت و کاربرد عوامل عاطفی مانند رحم، رفق، مدارا و عفو نسبت به کودک اشاره کرده و به آن امر می‌کند. برای مثال می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و با آنها رحیم و مهربان باشید». (کلینی، ۱۳۷۹، ۶/۴۹) «با کسی که به او آموزش می‌دهید و با کسی که از او می‌آموزید نرمی کنید». «کودکان را مورد عفو قرار بدهید» (نوری، ۱۳۶۹، ص ۱۸). همچنین از برخورد تند با کودکان نهی کرده و می‌فرماید: «خداوند برای هیچ چیزی مانند خشم و غضب نسبت به زنان و کودکان، ناراحت و خشمگین نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۷۹، ۶/۵۰). همچنین می‌فرماید: «هنگام غضب، کسی را تأدیب یا تنبیه نکنید» (مجلسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله برای تربیت فرزندان و نوه‌هایش به هیچ عاملی جز مهر و محبت توسل نکرد و هیچ رویداد و حادثه‌ای نشان نمی‌دهد که آن حضرت در تربیت خردسالان، به تنبیه بدنی دست زده باشد. روایات موجود در این زمینه به سه دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته از روایات، تنبیه بدنی کودکان را در مواردی خاص، مجاز اعلام کرده‌اند. دسته دیگر روایات، به رحم، شفقت، مدارا و عفو کودک توصیه می‌کنند. دسته سوم روایاتی هستند که از تندی، غضب، عتاب و خطاب نسبت به کودکان منع می‌کنند.

با توجه به این سه دسته روایات می‌توان گفت که محبت، احترام، عفو و بخشش، همواره مطلوب است. تندی، عتاب، خطاب و غضب نسبت به کودک نه تنها مطلوب نیست، بلکه از آن نهی هم شده است، اما اگر محبت، توجه و تغافل، کارایی تربیتی و اصلاحی خود را نسبت به افرادی از دست داده باشد، می‌توان به صورت محدود از تنبیه بدنی بهره برد. با این حال باید گفت که در سیره معصومان علیهم السلام دیده نشده که فرزندان خود و یا کودکان دیگری را تنبیه کرده باشند.

خداوند متعال در قرآن کریم دستور داده: «... لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» بدی دیگران را با نیکی و بهترین روش پاسخ دهید...» (فصلت: ۳۴). روش احسن، همان روش اکرام، محبت، رفق و مدارا با کودکان در جهت اصلاح آنان است. به موجب این آیه، اگر راه‌های دیگری برای جلوگیری از انحراف و سوق به کردار پسندیده وجود داشته باشد باید از آنها استفاده شود و از تنبیه در مواردی که روش احسن به نتیجه نمی‌رسد، استفاده کرد.

هدف اصلی در جایز بودن تأدیب کودک، تربیت صحیح اوست. والدینی می‌توانند در این مسیر گام بردارند که این هدف، آرمان تربیتی آنها باشد. بنابراین، تأدیب کودک، با انگیزه تشفی خاطر یا کاستن از فشارهای عصبی خود و مانند آن جایز نیست. اسلام در باب تنبیه، دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط مبرا است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. اسلام سفارش می‌کند که بزرگ‌ترها در برابر کوچک‌ترها، بیشتر احساس مسئولیت کرده و حقوق آنها را رعایت کنند. «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند». (کلینی، ۱۳۷۸، ۲/۲۳۲)

بر این اساس، حتی تنبیه بدنی را ابتدا برای حیوانات نمی‌پسندد و ترحم بر آنها را از وظایف همه می‌داند. بسیاری از فقها در کنار حکم به جواز تأدیب، به این نکته اشاره کرده‌اند که صدمات ناشی از تأدیب با سوء نیت، از مصادیق کودک‌آزاری است، پس اگر تنبیه بدنی خارج از حد ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده و موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است. (طارمی، ۱۳۸۹)

آیا هر عمل خلافی که از کودک سرزد، می‌توان او را تنبیه کرد یا جواز تنبیه اختصاص به ارتکاب گناهان دارد؟ در این ارتباط بعضی از روایات در امور محرمات، صریح و روشن هستند. مانند روایاتی که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می‌دانند. آنچه از روایات استنباط می‌شود این است که در مواردی که به تأدیب و تربیت کودک مربوط می‌شود، می‌توان او را تنبیه کرد، خواه این خلاف، از خلاف‌های اخلاقی، عرفی یا اجتماعی باشد که از نظر شرع، گناه نیست و یا خلافی باشد که از نظر شرعی گناه است؛ زیرا در غالب این روایات، سؤال از ادب کودک است که معادل تربیت امروزی است. (نوری، ۱۳۶۹، ص ۱۸)

۶. پاسخ به یک سؤال

ممکن است گفته شود روایات فراوانی بر جواز تنبیه بدنی دلالت می‌کنند، پس چگونه بین سیره معصومان و گفتار آنها تفاوت است؟ مگر قول و فعل نباید هماهنگ باشد؟ در پاسخ باید گفت که جواز یک موضوع، دلالت بر لزوم و حتی استحباب آن ندارد. جواز، دو معنای اصطلاحی دارد. جواز به معنای مساوی بودن انجام و ترک مباح و جواز به معنای منع که با استحباب و کراهت سازگار است. بنابراین، اگرچه تنبیه کودک جایز است، ولی می‌توان با استناد به دلایلی از آن استفاده نکرد.

اینکه معصومان علیهم‌السلام تنبیه را جایز دانسته‌اند به این دلیل است که دست مربی و والدین، در

امر تربیت بسته نباشد و اگر بر اثر قصور یا تقصیر در امر تربیت، کار به جایی رسید که لازم شد برای جلوگیری از تخلف کودک و یا وادار کردن او به کاری تنبیه شود، بتوانند از این راه استفاده کنند البته این جواز، محدودیت و شرایطی دارد. بیان این نکته ضروری است که روایات دال بر جواز تنبیه، مربوط به تنبیه غلام و جاریه است، یعنی دختر و پسری که نزدیک سن بلوغ هستند؛ زیرا عرب‌ها به کودکان کمتر از سن ده- دوازده سال، صبی و صبیبه می‌گویند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰)

۷. تنبیه فرزند از نگاه فقهای معاصر شیعه

اسلام درباره تنبیه، دیدگاه خاصی دارد که از هرگونه افراط و تفریط مبرا است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود، برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. در دیدگاه فقه شیعی، زدن و تنبیه بدنی کودکان در برخی موارد و برای تأدیب و تربیت آنها، عملی مجاز است. عموم فقهای شیعه نیز به جواز تنبیه بدنی کودک در صورتی که راه تربیت کودک منحصر به آن باشد، فتوا داده‌اند به این شرط که ضربه، محکم نبوده و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست کودک نشود که در این صورت موجب دیه نشود است. بنابراین، علت جواز تنبیه بدنی از سوی فقهای عظام در برخی موارد، این است که تأدیب کودک در راستای مصلحت آنان و با هدف اصلاح آنان باشد در غیر این صورت، تنبیه بدنی عملی غیر مجاز است.

امام خمینی رحمته‌الله علیه: «تأدیب زمانی جایز است که به مصلحت کودک و در حد متعارف باشد». (خمینی، ۱۴۱۷، ۲/۴۷۷)

آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله علیه: ضروری است که غایت و هدف در هنگام کتک زدن کودک، تأدیب و تربیتی باشد که به مصلحت کودک است نه آن چیزی که از روی خشم انجام گرفته باشد. چه بسا که مؤدب، خود تأدیب شود؛ زیرا کتک زدن او به خاطر خداوند متعال نبوده است. (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۲/۲۹۱) مرحوم صاحب‌جواهر نیز نظیر این مطلب را در جواز تنبیه بدنی کودکان آورده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/۴۴۶).

آیت‌الله سیستانی: تنبیه بدنی جایز نیست، مگر اینکه تأدیبی که لازم است متوقف بر آن باشد. در این صورت، پدر یا کسی که از سوی او مجاز است، می‌تواند به نحوی که موجب سرخ شدن یا کبودی نباشد کودک را بزند، ولی به احتیاط واجب نباید از سه ضربه سبک تجاوز کند. اگر موجب سرخی یا کبودی شد، دیه دارد، حتی اگر از سوی پدر باشد. به احتیاط واجب، کتک زدن به هر صورتی که باشد، پس از سن بلوغ، جایز نیست و اگر حاکم شرع تشخیص دهد که پدر و مادر از نظر حفظ سلامتی کودک مورد اطمینان نیستند، می‌تواند آنها را از حق حضانت

و سرپرستی کودک محروم کند.

آیت الله مکارم شیرازی: کودک آزاری در شرع اسلام جایز نیست و هرگاه پدر یا مادری مرتکب چنین کاری شوند حاکم شرع می تواند آنها را تعزیر کند و اگر کاری باشد که باعث فوت یا نقص عضو یا جراحی شود دیه دارد، ولی تنبیه های جزئی و مختصر که هیچ اثری روی بدن نگذارد، آن هم در صورت ضرورت، مانعی ندارد و چه بهتر که از آن هم صرف نظر شود و از طریق تشویق و محبت اقدام به تربیت شود.

آیت الله صافی گلپایگانی: تأدیب فرزندان بر پدر لازم است، ولی در حدودی که شارع مقدس اجازه داده باشد. دستور شرع به اتفاق همه مراجع تقلید این است که تنبیه باید به نحوی باشد که موجب دیه نشود.

آیت الله نوری همدانی: آنچه اسلام در موارد خاص خودش تجویز کرده، تأدیب است و با شرایط آن انجام می گیرد و خشونت نیست، بلکه نوعی برنامه بازدارنده در جهت اصلاح امر طفل است. بنابراین، آن را به طور کامل محدود کرده که از آن نباید تجاوز شود.

آیت الله موسوی اردبیلی رحمته الله علیه: پدر و مادر باید حقوق فرزند را رعایت کنند و غیر از مخارج و نفقه، خواندن، نوشتن و شنا به او یاد دهند. حد شرعی تنبیه اولاد آن اندازه ای که موجب دیه نباشد، اشکال ندارد آن هم در صورتی که اولاد، بدون آن تنبیه، تربیت نشود و بیش از آن اندازه موجب دیه بر پدر و مادر می شود. در برخی موارد، قصاص والدین لازم است. (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه، ۱۳۹۰)

آنگاه که در تربیت کودک و در مقام تأدیب، مصالح کودک در نظر گرفته نشده یا به کودک بیش از حد متعارف صدمات جسمی و روانی وارد شود، کودک آزاری تحقق یافته است که عملی ممنوع و حرام بوده و مجری تنبیه، ضامن عملی که انجام داده است، می باشد.

۸. تنبیه فرزند از نظر فقهای اهل سنت

فقهای عامه نیز تأدیب کودک را جایز می دانند. کتاب *الفقه علی المذاهب الخمسه*، تأدیب کودک را از سایر مجازات های اسلامی جدا دانسته و آن را برای کودک جایز می داند. این مطلب به صورت ذیل آمده است:

اگر کودک، کسی را کشته و یا مجروح کرد یا بعضی از اعضای او را قطع کرد، مانند دیوانه است و به هیچ وجه از او قصاص نمی شود؛ زیرا اهل عقوبت دنیوی و اخروی نیست و در حدیث است که عمد کودک در حکم خطاست. در این مسئله، بین مذاهب، خلاقی

نیست و اگر زدن کودک در بعضی مواقع جایز شده است، فقط برای تأدیب اوست. آنچه که از مجموع فتاوی‌ای اهل سنت به خوبی استفاده می‌شود، این است که تأدیب و تنبیه بدنی کودک اگر برای اصلاح و تربیت او باشد، جایز است و نباید در این مورد از حد تجاوز کرد. کسی که می‌تواند تنبیه کند و به قصد ادب‌کردن و اصلاح او باشد، پدر است و حتی او نمی‌تواند از حد اعتدال آن خارج شود. (مغنیه، ۱۴۰۷، ص ۴۷۷)

۹. نگاهی کاربردی به تنبیه

برخی والدین معتقدند که در بعضی از موقعیت‌ها باید کودک را تنبیه کرد، به خصوص زمانی که می‌خواهند به کودک بیاموزند که از اشیای خطرناک بپرهیزد. تنبیه ممکن است عواقب منفی داشته باشد، ولی برای کاهش واکنش‌های نامطلوب و تشویق خویشتن‌داری و رفتار اجتماعی مناسب، مؤثر است. برای رسیدن به این اهداف، تنبیه باید مطابق اصول از پیش تعیین شده‌ای اعمال شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. تنبیه نباید بیش از مقدار جرم و گناه باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایات اسدبن وداعه، پس از آنکه سه بار از تنبیه نهی کرد فرمود: «اگر تنبیه کردی به اندازه گناه تنبیه کن». (حسینی العاملی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳)

زمان تنبیه اهمیت بسیاری دارد. هر قدر بین تنبیه و رفتار نامطلوب فاصله کمتری باشد، تنبیه مؤثرتر خواهد بود. بهترین زمان برای متوقف کردن رفتار غیر قابل قبول، درست قبل از وقوع آن است. نتیجه مطلوب تنبیه از سوی والدین گرم و با محبت بیشتر از والدین سرد و خشن است. اگر هدف، سرکوب یا خاموشی اعمال غیر قابل قبول است باید در تنبیه، ثبات قدم وجود داشته باشد. در غیر این صورت، اگر رفتار خاصی گاهی سرزنش شود و گاهی نادیده گرفته شود، رفتار نامطلوب کودک باقی می‌ماند. والدین نوجوانان بزهکار و پسران بسیار پرخاشگر، در مقایسه با والدین نوجوانان غیر بزهکار، در هنگام اعمال تنبیه و پاداش کمتر ثبات قدم دارند.

بر طبق اصل حداقل و کافی، تنبیه رفتار منع شده باید فقط در حدی باشد که کودک وادار به اطاعت شود. تنبیه شدید، ممکن است کودک را وادار به اطاعت از قواعد کند، ولی در ضمن در او ایجاد خشم و ترس می‌کند و به همین دلیل سبب می‌شود که کودک در برابر پذیرش و درونی کردن قواعد، مقاومت کند. منع و تنبیه کودک در صورتی که با توضیح و استدلال باشد، بیشترین تأثیر را خواهد داشت و بیشتر احتمال دارد که کودک چنین حرفی را بپذیرد.

در تنبیه و نصیحت، توضیحات باید کوتاه بوده و با واژگان کودک و سطح رشد شناختی او متناسب باشد. محروم کردن، یکی از اصولی است که در بسیاری از خانواده‌ها به عنوان روش

انضباطی اعمال می‌شود. کودک از عملی بازداشته می‌شود به این صورت که برای مدتی کوتاه او را جایی می‌نشانند به طوری که هیچ‌کس به او توجهی نکند. این عمل را می‌توان به آرامی و به سرعت انجام داده و علت آن را به روشنی برای کودک توضیح داد. این کار از نظر عاطفی و فیزیکی به کودک آسیبی نمی‌رساند. (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۵۴۳)

- در تنبیه باید قوت بدنی، سن و شخصیت افراد را در نظر داشت. در روایت حماد بن عثمان، امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مقدار که حاکم مصلحت بداند، برحسب مقدار گناه و یا قدرت بدنی شخص تعزیر کند». در مورد شخصیت افراد، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کیفر عقلا با اشاره است و کیفر جهال با تصریح و صراحت». (حر عاملی، ۱۳۹۴، ج ۱۸/-) در جای دیگر می‌فرماید: «کنایه و تعریض برای عاقل، شدیدترین عقاب است» (المیثمی، ۱۴۰۸، ص ۱۰۶).

اگر کودک قبل از اینکه تنبیه شود، متنبه شد، نباید او را تنبیه کرد؛ زیرا هدف از تنبیه، آگاهی و اصلاح کودک است و وقتی این هدف حاصل شد دیگر تنبیه معنی ندارد. همچنین اگر پس از تنبیه رفتارش اصلاح شد دیگر نباید رفتار خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه‌ای برای تنبیه و سرزنش او قرار داد. قرآن کریم می‌فرماید: «زنانی را که به وظایف همسری عمل نکنند، موعظه کنید و از همبستری با آنها بپرهیزید و آنها را بزنید اگر اطاعت کردند دیگر بهانه‌ای برای ستم و آزار آنها مجوید» (نسا: ۳۴).

در صورتی می‌توان کودک را تنبیه کرد که به عمل خلاف و بدبودن آن و میزان مجازات وجود آن آگاهی داشت. نباید کودک را به خاطر تشفی خاطر و تخلیه هیجانی خود تنبیه کرد بلکه همواره باید اصلاح و تربیت کودک مورد توجه باشد. در تنبیه باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ضعیف شروع کرد؛ زیرا شاید با اجرای مرحله‌ای ضعیف از تنبیه مانند تغییر چهره، کودک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود. در این صورت دیگر نیازی به تنبیه بدنی نیست. (مجلسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳)

۱۰. نتیجه‌گیری

در روان‌شناسی، تنبیه کودک به کلی ممنوع نیست بلکه در مواردی آن را جایز و حتی لازم دانسته و تنبیه را به عنوان یکی از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند. با مرور روایات معصومین علیهم السلام نیز جواز تنبیه با شرایطی خاصی مورد تأیید است. با بررسی نظرات روان‌شناسان و روایات معصومین علیهم السلام به دست آمده که تنبیه کودک، برای تربیت او جایز است. هرچند این روش، مطلوبیت بالایی ندارد، یعنی تا زمانی که برای تربیت کودک از روش‌های دیگری بتوان استفاده

کرد، بهتر است از تنبیه استفاده نشود. چه بسا اگر از روش‌های دیگر تربیتی به نحو درست و صحیح استفاده شود، هیچ‌گاه نیازی به تنبیه کودک نیست. تا زمانی که مربی بتواند از روش تشویق، پند و اندرز، بیان مصالح و مفاسد و استدلال در سطح درک کودک، او را به سوی کارهای نیک سوق دهد، نباید از تنبیه استفاده کند، ولی اگر تأثیر این عوامل مایوس شد، می‌تواند از تنبیه استفاده کند. به ویژه اگر بتواند با استفاده از روش‌های دیگر تربیتی، عواقب فرضی را کاهش داده و یا حتی آنها را از بین برد. تا حد ممکن، بهتر است از روش‌های دیگر تغییر و اصلاح رفتار که برخی از آنها به راحتی قابل انجام است، استفاده کرد.

در فقه اهل سنت نیز تنبیه به عنوان آخرین روش تربیتی، پذیرفته شده است. بدین معنا که وقتی والدین یا مربی، تمامی روش‌های تربیتی را اعمال کردند، ولی در تقویت، تضعیف یا تعدیل رفتار موفق نشدند، اصل تنبیه، ضرورت می‌یابد. با توجه به آنکه سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت پرورش و تربیت او در کودکی بستگی دارد، می‌توان با محبت و حسن رفتار و اتخاذ سبک‌های صحیح والدینی، احتیاج به تنبیه را به حداقل رسانده و در نهایت، افرادی سالم، خیراندیش، شریف و فعال به جامعه تحویل داد.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابوالقاسمی، شهنام.. و داودی، تمنا (۱۳۸۹). تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۲(۲).
۲. اسکینر، بوروس فردریک (۱۳۹۱). فراسوی آزادی و شأن. ترجمه علی اکبر سیف. تهران: دوران.
۳. آکسلرد، سال (۱۳۶۸). تغییر رفتار در کلاس درس. تهران: نشر فردوس.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه (۱۳۹۰). fa.shafaqna.com.
۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد با نگرش اسلامی. تهران: بی‌نا.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۷). غررالحکم و دررالکلم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. جعفری، حسین (۱۳۷۸). آداب المعلمین. قم: تندیس.
۹. حر عاملی، حسن (۱۳۹۴). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حسینی‌العاملی، سید محمد جواد (۱۳۸۷). مفتاح‌الکرامه، آراء فقها و المراجع فی حکم تأدیب الصبیان و ضربهم. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. حسینی، داود (۱۳۹۱). مبانی تنبیه از دیدگاه علم روان‌شناسی و اسلام. مجله معرفت، شماره ۱۷۴.
۱۲. حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۸۶). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. خوبی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۹۱). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
۱۴. دادستان، پریوخ (۱۳۹۵). گزیده‌ای از بزرگ‌ترین نظام‌های روان‌شناسی تحولی. تهران: سمت.
۱۵. سیف، علی اکبر (۱۳۶۷). تنبیه، روان‌شناسی و روش‌های تغییر رفتار. تهران: رشد.
۱۶. سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
۱۷. شکوهی یکتا، محسن..، پزند، اکرم.. و فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. تربیت

- اسلامی، ۳(۲)، ۱۱۵-۱۴۰.
۱۸. طارمی، محمدحسین (۱۳۸۹). جرم‌شناسی فقهی و حقوقی کودک‌آزاری، بگانه حوزه. شماره ۲۷۹.
۱۹. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۷۸). اصول کافی. تهران: ایران سال.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
۲۱. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲). الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دارالقران الکریم.
۲۲. ماسن، پاول هنری، جروم کیگان، آلتا کارول هوستون، و جان جین، وی کانجر (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. تهران: انتشارات ماد.
۲۳. ماوردیانی، سیروس (۱۳۸۰). تربیت و خوشبختی. تهران: انتشارات محمد فائز.
۲۴. المتقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۶۴). دایره المعارف العثمانیه. بی‌جا: بی‌نا.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحارالانوار. بی‌جا: بی‌نا.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷). بحارالانوار. تهران: المکتبیه السلامیه.
۲۷. مجوزی، عبدالله (۱۳۸۵). چرا تنبیه؟. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۸. مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۳). الفقه علی‌المذاهب الخمسه. بی‌جا: کانون الثانی.
۲۹. موسوی خمینی، روح‌الله خمینی (۱۴۱۷). تحریر الوسیله. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۰. المیثمی، حافظ نورالدین (۱۴۰۸). مجموع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: بی‌نا.
۳۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. نوری، میرزا حسین (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل. قم: نشر آل بیت علیهم‌السلام.
۳۳. هیلگارد، ارنست (۱۳۷۱). نظریه‌های یادگیری. ترجمه محمد نقی برهانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.